

در ناحیه ۴ انجام شد

نصب جدول‌های جدید در خیابان آرش

به همت اداره فنی و عمرانی شهرداری ناحیه ۴ جدول جدید در خیابان آرش مهر نصب شد. به گزارش خبرنگار همشهری محله شهردار ناحیه ۴ درباره این خبر گفت: «با توجه به فرسوده بودن جدول‌های خیابان آرش مهر، جدول‌های جدید در این

خیابان نصب شد.» «عباس نمدچی» هدف از اجرای این طرح را جلب رضایت شهروندان دانست و افزود: «علاوه بر این بهسازی میلمان شهری در افزایش زیبایی و بهبود محیط زیست محله تأثیر بالایی دارند.»

اهالی طرشت

طرشت محله قدیمی و اصیل تهران است. اما از بین آدم‌هایی که در این چند صد سال آنجا زندگی کرده‌اند، تنها چند نفرند که اسمشان در تاریخ مانده است نه به خاطر طرشتی بودنشان، بلکه به خاطر زندگی‌شان چه خوب و چه بد.

محمد بن احمد درشتی

او از نخستین دانشمندان و محدثان طرشتی و مؤسس حوزه علمیه طرشت در قرن سوم هجری است. طرشت در حدود ۳ قرن، مرکز علوم دینی در سرزمین ری و اطراف آن بود. محمد بن احمد، تحصیلات اولیه خود را در طرشت یاد گرفت و سپس به مجلس درس شیخ صدوق در شهرری رفت. او پس از پایان تحصیلات، به طرشت بازگشت و حوزه علمیه راه، راه انداخت. کلاس درس این عالم شیعه همیشه پرشور بود و با شاگردان فراوان برگزار می‌شد. بسیاری از محصلان این حوزه، به دانشمندان بزرگی تبدیل شدند. فرزندان او نیز راه پدر را در پیش گرفتند و خودشان را وقف اشاعه دین و مذهب کردند.

جعفر بن محمد بن احمد درشتی معلم خواجه نظام الملک فرزند معروف شیخ محمد بن احمد، از عالمان بزرگ طرشت و از دانشمندان مشهور ایران بود. خواجه نظام الملک هر زمان که به ری می‌آمد، برای تحصیل نزد شیخ جعفر می‌رفت. شیخ جعفر تحصیلاتش را در طرشت و نزد پدرش آغاز کرد، اما مدتی بعد برای تکمیل مطالعات یادگیری بیشتر راهی ری شد و پس از آن به بغداد رفت. در آنجا با معلم بزرگی مانند شیخ مفید و شیخ مرتضی علم الهدی نشست و برخاست کرد و در بغداد از محضر سید رضی نیز بهره‌برد. شیخ جعفر پس از تکمیل تحصیلاتش به طرشت برگشت و همراه پدرش حوزه علمیه طرشت را رونق بخشیدند. از تألیفات این عالم بزرگوار می‌توان به «الکفایه فی العبادات»، «یوم و لیل» و «الاعتقادات» اشاره کرد.

شیخ عبدالله طرشتی

ایشان معروف‌ترین عالم طرشت است که بقعه و مرقدش هنوز هم زیارتگاه مردمان صاحب دل و باخداست. او نیز مانند پدران خود از عالمان علم حدیث بود و حدیث‌های معتبری بیان می‌کرد. از آنجا که شیخ جعفر و شیخ محمد بن احمد اجداد او بودند، راویان و عالمان، سخنان شیخ عبدالله را درست می‌دانستند. شیخ عبدالله نیز مانند پدراش کسب دانش را در طرشت آغاز کرد و سپس برای تکمیل تحصیل به بغداد رفت و چنان پیش رفت که پس از مدتی او را بر کرسی تدریس نشانندند. او در سال ۶۰۰ قمری از دنیا رفت و در آرامگاه خانوادگی‌شان در طرشت به خاک سپرده شد.

محمد قلی سلیم

یکی از فرزندان هنرمند طرشت است که بد طولایی در شعر و ادب داشت. او که در قرن یازدهم هجری می‌زیست، درباره آب و هوای خوش طرشت، بیتی را از خود به یادگار گذاشته است.

«نازد به اشک و آه دلم کوی او، سلیم ملک ری به آب و هوای طرشت ما.»

مردمانی متعصب بر قوم خود که با منتسبان دیگر واقوام وصلت نمی‌کردند. آن‌طور که در کتاب‌ها آمده، اصالت آنها از شمال ایران و ملک دماوند است. حسین مردی‌ها اربابان ملک طرشت شدند و تا زمان اصلاحات ارضی محمدرضا پهلوی، همچنان به‌عنوان اربابان زمین‌ها و دشت‌های طرشت باقی ماندند. امروز نیز چون از این محله بگذری، نام آنها در برخی گذرها و موقوفات و ساختمان‌ها دیده می‌شود.

طرشت در دوران پهلوی

اتفاقات طرشت در این دوره بسیار است که در شماره آینده منتشر خواهد شد...

مهم‌ترین تحولات محله طرشت

پیش از اسلام گروهی از مردمان

زرتشتی ری به طرشت مهاجرت کردند

پیش از اسلام طرشت به خاطر

خشکسالی از سکنه خالی شد.

قرن اول و دوم: خاندان دوریستی وارد طرشت شدند.

قرن پنجم: حسینیه طرشت ساخته شد.

قرن هشتم: مسجد امام حسن (ع) برپایه‌های مسجد قدیمی که

به زمان امام حسن مجتبی (ع) باز می‌گردد، بنا شد.

قرن نهم: به فرمان شاه طهماسب صفوی بقعه‌ای بر مزار شیخ عبدالله طرشتی بنا شد.

چون «شیخ بهایی» و «فیض کاشانی» است. فرزندان این خاندان هر یک در گوشه‌ای از ایران و برخی در طرشت ساکن شدند. در این زمان، طرشت مهد علوم و نشر فلسفه ایرانی و اسلامی شد و خیلی زود به دلیل وجود پایگاه‌های علمی و خوش آب و هوا بودن جمعیتش روز به روز زیاد شد.

در قرن نهم هجری، گروهی افراد مؤمن مسجدی را برپایه مسجد باستانی طرشت که منتسب به زمان امام حسن مجتبی (ع) است بنا کردند. نام این مسجد امام حسن (ع) بود که تاکنون باقی مانده است. در زمان صفویه این مسجد را مرمت کردند، و این آخرین توجه ویژه به این بنای باارزش طرشت بود. دریغ که در طول عمر این مسجد، اهالی و فرزندان این دیار توجه چندانی به آن نکردند و روز به روز خراب‌تر شد تا جای خود را به مسجدی نو داد. اکنون که شما داستان طرشت را می‌خوانید، برجای این مسجد قدیمی، مسجدی با امکانات و مصالح روز ساخته‌اند؛ گرچه برخی شیستان قدیمی را از آثار همان دوران می‌دانند و فقط شیستان جدید را مکانی اضافه شده به اصل بنای قدیمی ذکر می‌کنند.

طرشت در قرن دهم

در قرن دهم هجری، بقعه‌ای بر مزار شیخ عبدالله طرشتی بنا کردند. شاه طهماسب اول هم که از شاهان اولیه صفویه است. سفری به این دیار کرد و باعث عمران آبادی دهات و شهرهای اطراف شد. او در طرشت نیز مسجد و بقعه ساخت و اهمیتی افزون برایش به ارمغان آورد. با توجه به اینکه شاه طهماسب به علم و دین علاقه فراوانی داشت، به یکی از فرزندان طرشت به نام «شاه قاسم فیض بخش» - فرزند ارشد «سیدمحمد نوربخش قهستانی» کمک کرد و باعث پیشرفت او در علوم شد. شاه قاسم برای کسب علم به هرات رفت و او نیز با کوله‌باری از دانش بازگشت و به خدمت مردم سرزمینش پرداخت. در همان دوران، نخستین طایفه منسجم به نام «حسین مردی» طرشت را به‌عنوان محلی مناسب برای سکونت برگزیدند؛

